

و دشوار گذارته بند استفاده میکنند، در حالیکه این سرک با در نظر داشت اهمیت اقتصادی آن باید اولتر اعمار می شد.

در شهر کابل عمارات جدید چند منزله با تسهیلات مدرن اعمار شده و اعمار شمار بیشتر آن ادامه دارد. اما این عمارات بیشتر مربوط اشخاص منفرد عمدتاً قوماندانهای جهادی است که در نتیجه جهاد فی سبیل الله به مال و منال رسیده اند. در جریان اقامت در کابل گذرم به منطقه شیرپور افتاد جایی که یکی دو سال قبل ساکنین بیوسيله و بیواسطه خانه های محقر که اکثر شان مامورین ملکی و مامورین وزارت دفاع بودند، با زور و جبر ازین کلبه ها رانده شدند، خانه های گلی شان منهدم و زمینها بعد از تقسیم شان به قطعات بزرگتر توسط اشخاص وابسته بحکومت و افراد مربوط به تنظیم های وابسته به حکومت غصب شد. این اشخاص غاصب که عده یی از چپاولگران مقیم در غرب را هم شامل میشوند، خانه های قصر ماندنی را به سبک خانه های جدید پاکستانی اعمار کرده اند که همهء تسهیلات عصری را دارند. وقتیکه می پرسی این خانه از کیست. میگویند از فلان قوماندان یا فلان وزیر و یا از فلان مدافع تنظیم یا دستهء شامل در حکومت است. انسان تعجب می کند که این قوماندان ها که قبل از شرکت شان در جهاد فی سبیل الله !!! مثل اکثر مردم مخارج روزمره زندگی شانرا به مشکل پیدا میکردند و این همه کارمندان بلند رتبه کنونی و با اخیراً معزول شده این همه پول را برای اعمار این قصر ها از چه راهی به دست آورده اند؟

فعالیتها در جهت انکشاف اقتصادی در عمل دیده نمیشود، اقتصاد کشور بیشتر از هر وقت دیگر یک اقتصاد مصرفی شده، اقداماتی در جهت مبدل کردن به یک اقتصاد تولیدی به مشاهده نمیرسد. حتی متاعی که ممکن است در داخل کشور تولید شود، از کشور های همجوار وارد می شود، حتی نیروی کار از بیرون کشور آورده میشود که نهایت تعجب آوراست. نه تنها نیروی کار مسلکی، که حتی اشخاص برای کار های بسیار ساده فنی و حرفوی مثل گلکاری،

نجاری و حتی گارسونی و پیشخدمتی در رستورانهای با پرستیژ از بیرون آورده میشوند. در حالیکه هزار ها جوان که همه ساله مؤفق به رفتن به پوهنتون ها نمی شوند به اردوی بیکار ها می پیوندند. باید تا حال زمینه های تحصیلات فنی و مسلکی با استفاده از کمک های بین المللی برای آنان فراهم میشد. طبعاً کسر عظیم تجارتي وجود دارد. تقریباً تمام تولیدات صنعتی و قسماً تولیدات زراعتی از خارج وارد می شوند. ولی حجم صادرات حتی کمتر از گذشته است. افغانستان که در گذشته از صادر کنندگان عمده میوه به پاکستان بود، حالا بعضی از میوه های غیر عنعنوی پاکستان مثل سیب و غیره از آنکشور به افغانستان وارد میشود که بسیار تعجب آور است.

به نظر می رسد که حکومت هیچگونه پلانی برای رشد اقتصاد تولیدی ندارد و اگر داشته باشد صرف بر روی کاغذ است. فساد اداری به اوجش رسیده و رشوه، رشوه ستانی و اختلاس مانع بزرگی را در راه رشد صنایع ملی و سرمایه گذاری ایجاد نموده است. طبعاً در شرایط فساد اداری هیچ سرمایه گذاری، به خصوص سرمایه گذاران خارجی جرأت نمی کنند که مراجع تولیدی را در افغانستان تاسیس بکنند و اگر کسی با اینهم دل به دریا زده، مؤسسه تولیدی و یا فابریکه یی را به وجود می آورد، نمیتواند با وجود امتعه مشابه توریدی از کشور هاییکه تولیدات کتلوی دارند و متاع شان ارزان است و بازار های افغانستان را اشغال کرده است، رقابت نمایند.

حکومت سیاستی را که در رابطه به وضع تعرفه های گمرکی و حمایت از صنایع ملی دارد، نمی تواند تطبیق کند. من شکایت های فراوان را از متشبهین خصوصی در کابل شنیدم.

حکومت در زمینه فساد اداری و خویشخوری بسیار از تعلل کار می گیرد و قاطعیتی برای اصلاح ادارات از خود نشان نمی دهد. ادارات غیر مؤثر اند. در اکثر ادارات کار وجود ندارد و مامورین صرف وقت گذرانی میکنند. حتی در اداراتی که کار وجود دارد، برای کاریکه دو تن میتوانند انجام دهند، ده پانزده مامور استخدام شده است. کارمندان اکثرآبه ملاحظه شایستگی

و لیاقت نه، بلکه بر مبنای پیوند شان با آمرین و مقامات دولتی و تنظیمهاو دسته های شامل در حکومت استخدام میشوند.

طبعاً تا زمانیکه فساد اداری و حیف و میل بودجهء دولتی وجود دارد، کسی جرأت نخواهد کرد که در بخش صنایع کشور سرمایه گذاری کند. مخصوصاً شرکت های خارجی حاضر نخواهند شد تا پول و پرسونل شان را به خطر اندازند. درین حالت حکومت قادر به استخدام جوانان مستعد به کار نشده، در عوض گروه های مخالف حکومت این جوانان را به سوی اهداف خود شان جلب و جذب خواهند کرد. از جانب دیگر اینکار حکومت را از حصول عاید پر ثبات ملی محروم میسازد و کشور برای همیشه به کمک های خارجی متکی باقی خواهد ماند.

سوال: در باره نقش وسایل مفاهمه جمعی در فعالیت های باز سازی کشور چه نظر دارید؟

جواب: متأسفانه نشرات وسایل اطلاعات جمعی کشور با نیازمندیهای مردم و کشور در مطابقت نیست. به علت بیسوادی اکثریت مردم وسایل اطلاعات جمعی مؤثر چون رادیو و تلویزیون طبعاً نمیتوانند نقش و اثر بزرگی در باز سازی کشور و خدمات اطلاعاتی و آگاهی دادن به مردم داشته باشند. در نتیجهء جنگها غیراز خونریزی و ویرانی کشور می دانیم که ضربهء بزرگی به اتحاد و وحدت ملی هم وارد شد. و اقوام با هم برادر و برابر وطن بوسيله اشخاص جاه طلبی که در رأس گروه ها و دسته های نظامی قرار داشتند، و میخواستند با ایجاد بدبینی و تفرقه های مذهبی، قومی، زبانی و سمتی، حاکمیت ناروای خود را تأمین کنند، از هم دور ساخته شدند. در چنین حالتی توقع اینست که رادیو و تلویزیون در جهت نزدیک ساختن مردم باید جد و جهد بنماید و همچنان مردم را در زمینه رفع مشکلات اقتصادی، تعلیمی، صحتی و غیرهء شان کمک کنند. ولی در مجموع باوصف اینکه وسایل مفاهمه جمعی خصوصی کوشش میکنند که پروگرام های معلوماتی و گزارشها را بر بنیاد اساسات ژورنالیزم فراهم نمایند، اما این تلاشها کافی نیست. به نظر من ضعیف ترین وسایل اطلاعات جمعی کشور، رادیو تلویزیون ملی است.